یادداشت

علی کفاشیان
رئیس سابق فدراسیون فوتبال

آمریکا؛ بدترین میزبان جام جهانی

آمریکا با کارشکنی، سیاسی‌کاری و رفتارهای توهین‌آمیز و تحقیرکننده در قبال تیم‌ها، همراهان، بازیکنان، هواداران و حتی داوران، خود را به‌عنوان یکی از نامناسب‌ترین میزبانان جام جهانی فوتبال معرفی کرده است. البته در بروز این وضعیت، نمی‌توان از نقش فیفا به‌عنوان بالاترین مرجع بین‌المللی فوتبال جهان چشم‌پوشی کرد. نهادی که با واگذاری گسترده میدان و آزادی عمل به آمریکا، زمینه‌ساز بروز چنین رفتارهایی شده است.

در واقع، آمریکا نه‌تنها در عرصه سیاست، بلکه در میدان ورزش نیز می‌کوشد با رفتارهایی خارج از عرف، نوعی قلدری و برتری‌جویی را به نمایش بگذارد. این درحالی است که در اغلب ادوار جام‌جهانی، کشورهای میزبان با صدور بلیت برای هواداران، در عمل تسهیلاتی مشابه ویزا فراهم می‌کنند. اما آمریکا در اقدامی بی‌سابقه، حدود هشت درصد از درخواست‌های بلیت هواداران تیم ملی فوتبال ایران را رد کرده است. همچنین تأخیر در صدور ویزا برای تیم‌هایی مانند ایران و آفریقای جنوبی، نمونه‌ای دیگر از این رفتارهای تبعیض‌آمیز است.

از سوی دیگر، گزارش‌هایی از برخوردهای غیرمتعارف با برخی تیم‌ها منتشر شده است؛ از جمله استفاده از سگ‌های مواد‌یاب علیه بازیکنان تیم‌های ازبکستان و سنگال، یا رفتارهای نژادپرستانه پلیس آمریکا با بازیکنان آفریقایی. در نمونه‌ای دیگر، داور سومالیایی از ورود به خاک آمریکا منع شده و پس از بازداشت، دیپورت شده است. حتی یک بازیکن عراقی نیز با اتهامی واهی مبنی بر ارتباط با یک گروه نظامی، ساعاتی بازداشت شده است. رخدادهایی که در هیچ‌یک از دوره‌های پیشین جام جهانی سابقه نداشته‌اند.

طبیعی است که از کشوری با سابقه مداخلات سیاسی و اقدامات بحث‌برانگیز در عرصه بین‌المللی، چنین رفتارهایی دور از انتظار نباشد. به‌نظر می‌رسد آمریکایی‌ها با این نوع سیاسی‌کاری و بدرفتاری، در پی آن هستند که برتری خود را در تمامی عرصه‌ها به نمایش بگذارند و نشان دهند که می‌توانند خارج از چارچوب‌های مرسوم، هرگونه که می‌خواهند عمل کنند.

در چنین شرایطی، اگر در ادامه مسابقات نیز اتفاقات ناخوشایندتری برای تیم ملی فوتبال ایران رخ دهد، جای شگفتی نخواهد داشت. بی‌تردید، با ورود تیم ملی از مکزیک به آمریکا، احتمال افزایش این کارشکنی‌ها وجود دارد. از این رو، مسئولان فدراسیون فوتبال باید از هم‌اکنون برای مواجهه با سناریوهای مختلف برنامه‌ریزی دقیق داشته باشند تا در شهرهایی مانند لس‌آنجلس غافلگیر نشوند.

واقعیت این است که فضای میزبانی در آمریکا تنها محدود به رقابت‌های ورزشی نیست و ممکن است فشارهایی از سوی جریان‌های معاند نیز بر تیم ملی وارد شود. هرچند وزیر مربوطه از هم‌اکنون چارچوب‌هایی برای مقابله با بدرفتاری‌ها ترسیم کرده، اما لازم است تصمیمات متنوع و آماده‌ای برای شرایط گوناگون اتخاذ شود. در نهایت، اگرچه تیم‌های حاضر در جام جهانی می‌توانند نسبت به رفتارهای خارج از عرف میزبان به فیفا شکایت کنند، اما ایران همان‌گونه که در عرصه‌های دیگر نشان داده، باید با رویکردی فعال و قاطع در میدان ورزش نیز از حقوق خود دفاع و این مسأله را به جامعه جهانی فوتبال یادآوری کند.

نگاه

علیرضا شاه‌منصوری
وکیل حقوقی فوتبال

نقض کرامت انسانی

در روزهایی که صدای اعتراض حتی از درون ایالات متحده نیز شنیده می‌شود -از جمله واکنش شهردار نیویورک به تناقض رفتار دولت آمریکا با روح همگرایانه جام جهانی- نشانه‌های نگران‌کننده‌ای از خدشه‌دار شدن اصول بنیادین ورزش جهانی به چشم می‌خورد. رفتارهایی همچون بازرسی‌های بدنی تحقیرآمیز از ستاره‌های فوتبال در فرودگاه‌ها، نه‌تنها با ارزش‌های فیفا همخوانی ندارد، بلکه به‌روشنی نقض کرامت انسانی و حقوق اساسی کشورهای عضو این نهاد بین‌المللی است.

در یکی دو ماه اخیر، اظهارات جنجالی دونالد ترامپ درباره کشورهایی نظیر ایران، سنگال، هائیتی و آفریقای جنوبی، بیش از پیش این نگرانی را تقویت کرده است که رویکردها، جایگزین اصول اخلاقی و انسانی در مدیریت این رویداد جهانی شده‌اند. این در حالی است که گروه‌هایی از شهروندان آمریکایی نیز خواستار تعلیق یا تعدیل قوانین مهاجرتی در طول برگزاری مسابقات شده‌اند؛ مطالبه‌ای که نشان از شکاف میان سیاست‌های رسمی و انتظار افکارعمومی دارد.

وقتی بازیکنان ساعت‌ها در فرودگاه‌ها تحت بازرسی قرار می‌گیرند، ویزای تیم‌هایی مانند ایران و آفریقای جنوبی با تأخیر صادر می‌شود، مهاجم تیم عراق در فرودگاه شیکاگو بازداشت و بازجویی می‌شود، یا حتی به یک بازیکن سوئیسی ویزا داده نمی‌شود، دیگر نمی‌توان این رخدادها را صرفاً به مسائل اجرایی نسبت داد؛ اینها نشانه‌های یک مدیریت ناکارآمد و سیاست‌زده در بالاترین سطح فوتبال جهان است.

در این میان، نقش جیانی اینفانتینو به‌عنوان رئیس فیفا، بیش از پیش زیر سؤال رفته است. عملکرد او در بسیاری از موارد، جانبدارانه و همسو با سیاست‌های دولت آمریکا ارزیابی می‌شود تا جایی که اعطای یک جایزه موسوم به «صلح» به ترامپ، شائبه‌های جدی درباره استقلال و بی‌طرفی فیفا ایجاد کرده است. نهادی که باید نماد «فوتبال فارغ از سیاست» باشد، اکنون خود به بخشی از معادلات سیاسی بدل شده است.

مروری بر تاریخ جام‌های جهانی -دوران جنگ سرد تا فروپاشی دیوار برلین- نشان می‌دهد با وجود تنش‌های سیاسی، کمتر شاهد چنین سطحی از رفتارهای غیرحرفه‌ای از سوی میزبان بوده‌ایم. آنچه امروز رخ می‌دهد، دیگر محدود به یک یا چند تیم نیست؛ بلکه دامنه آن به بسیاری از تیم‌های حاضر در رقابت‌ها کشیده شده و اعتبار کلی این رویداد را زیر سؤال برده است.

این واقعیت نیز قابل تأمل است که فوتبال، برخلاف بسیاری از نقاط جهان، هنوز در آمریکا جایگاه اول را در میان ورزش‌ها ندارد. همین موضوع این پرسش را تقویت می‌کند که چگونه میزبانی چنین رویداد عظیمی به کشوری واگذار شده که نه‌تنها از نظر فرهنگی با فوتبال فاصله دارد، بلکه در مدیریت تبعات اجتماعی و سیاسی آن نیز با چالش‌های جدی مواجه است.

در نهایت آنچه باقی خواهد ماند، قضاوت تاریخ است. تاریخ نشان خواهد داد که تصمیمات و رویکردهای اینفانتینو در قبال میزبانی آمریکا و نادیده گرفتن رفتارهای تبعیض‌آمیز و غیرحرفه‌ای، چگونه جایگاه او و اعتبار فیفا را تحت‌تأثیر قرار داده است. بی‌تردید کشورهای عضو فیفا باید پس از جام جهانی ۲۰۲۶، با نگاهی مسئولانه، عملکرد مدیریت این نهاد را مورد بازبینی قرار داده و در صورت لزوم، نسبت به پاسخگویی و حتی تعلیق رئیس آن اقدام کنند.

«ایران» رفتارهای غیرقانونی دولت ایالات متحده در آستانه شروع جام جهانی ۲۰۲۶ را بررسی می‌کند

جام رسوایی ترامپ

سینا حسینی / روزی که ایالات متحده آمریکا به‌عنوان میزبان رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۶ از سوی فدراسیون جهانی فوتبال معرفی شد، کمتر کسی حتی در بدبینانه‌ترین سناریوها تصور می‌کرد که این انتخاب، به یکی از تاریک‌ترین و شرم‌آورترین فصول تاریخ فوتبال جهان تبدیل شود؛ فصلی که در آن، میزبان نه‌تنها از مسئولیت‌های خود عدول می‌کند، بلکه در عمل بزرگ‌ترین افتضاح تاریخ این مسابقات را رقم می‌زند و جام بیست‌وسوم را به نمادی از بی‌نظمی، تبعیض و سوءاستفاده از قدرت تبدیل می‌کند. امروز زنگ آغاز این فاجعه به‌صدا در می‌آید و حالا افکار عمومی جهان با نگرانی و بی‌اعتمادی، چشم به رفتارهای آتی دونالد ترامپ و حلقه نزدیک به او در کاخ سفید دوخته‌اند تا ببینند این بار چگونه از امتیاز میزبانی برای تکمیل زنجیره هنجارشکنی‌های خود بهره‌برداری خواهند کرد.

رفتارهای پرخاشگرانه، تحقیرآمیز و خارج از هرگونه عرف دیپلماتیک و ورزشی دونالد ترامپ در قبال تیم‌های راه‌یافته به مرحله نهایی رقابت‌ها، به‌قدری شوک‌آور بوده که حتی بخشی از رسانه‌های آمریکایی نیز ناچار به اعتراف شده و این روند را تأسف‌بار توصیف کرده‌اند. دولت ترامپ نه‌تنها به اصول بنیادین فوتبال پایبند نمانده، بلکه آشکارا روح جوانمردی، برابری و همبستگی را که شالوده این ورزش جهانی است، هدف قرار داده؛ تا جایی که اکنون نام آمریکا در افکار عمومی جهان، بیش از آنکه یادآور یک میزبان باشد، مترادف با یکی از بدنام‌ترین میزبانان تاریخ جام جهانی شده است.

رفتار خارج از چارچوب دونالد ترامپ و اعضای دولت او در قبال تیم‌های شرکت‌کننده، نه‌تنها غیرقابل دفاع بلکه از دیدگاه تاریخی بی‌سابقه و تکان‌دهنده است. هیچ نمونه‌ای در تاریخ جام‌جهانی یافت نمی‌شود که یک کشور میزبان تا این اندازه آشکار و بی‌محابا، قواعد، تعهدات و اصول پذیرفته‌شده بین‌المللی را زیر پا گذاشته باشد. آمریکا در این دوره، در عمل نشان داده که خود را فراتر از قوانین می‌داند و مفهوم میزبانی بی‌طرفانه را به سخره گرفته است.

اعمال سیاست‌های مهاجرتی سخت‌گیرانه و هدفمند علیه برخی کشورها، در عمل به حذف بخش بزرگی از هواداران -از جمله تماشاگران ایرانی- از صحنه این رقابت‌ها منتهی شده و جام جهانی را به ابزار نمایش سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت آمریکا تبدیل کرده است. این روند با اقداماتی نظیر بازرسی‌های تحقیرآمیز بدنی بازیکنان، بازداشت کاپیتان تیم ملی عراق در خاک آمریکا و بازجویی ایمن حسین ستاره تیم عراق توسط پلیس مهاجرت و جلوگیری از همراهی او با تیمش، ابعادی فراتر از یک بحران ورزشی پیدا کرده و به یک پرونده آشکار نقض حقوق و کرامت انسانی بدل شده است.

در ادامه این سلسله اقدامات، سگ‌گردانی پلیس مهاجرت آمریکا در میان وسایل کاروان تیم ملی ازبکستان و بازرسی بدنی مربیان و بازیکنان این تیم روی باند فرودگاه، صحنه‌هایی را رقم زد که بیش از هر چیز یادآور رفتارهای امنیتی افراطی و خارج از چارچوب‌های حرفه‌ای ورزش بود. برخوردهای نژادپرستانه پلیس مهاجرت با بازیکنان تیم ملی سنگال نیز، پرده دیگری از نگاه تبعیض‌آمیز حاکم بر این روند را آشکار کرد. فاجعه دیپورت داور سومالیایی منتخب فیفا، با وجود طی مسافت طولانی برای حضور در این رقابت‌ها، لکه ننگ دیگری بر کارنامه میزبان بود؛ رخدادی که چنان غیرقابل‌قبول بود که کانادا- به‌عنوان دیگر میزبان- در اقدامی انساندوستانه، ظرف ۲۴ ساعت او را دعوت کرد تا در مسابقات این کشور قضاوت کند.

کارشکنی سیستماتیک دولت آمریکا در صدور روادید برای تیم ملی فوتبال ایران و جلوگیری از همراهی ۱۵ عضو اجرایی، فنی و رسانه‌ای این کاروان، به‌وضوح نشان داد که تعهدات فیفا برای این میزبان، صرفاً شعاری بی‌محتوا بوده است. در ادامه همین روند، محرومیت فدراسیون فوتبال ایران از فروش بلیت مسابقات و غیرفعال‌سازی بلیت‌های خریداری‌شده توسط هواداران ایرانی، نمونه‌ای عینی از سوءاستفاده از موقعیت میزبانی و نقض آشکار حقوق هواداران بود. این مجموعه اقدامات، تصویری روشن از یکی از بی‌قاعده‌ترین، آشفته‌ترین و سیاسی‌ترین دوره‌های تاریخ جام جهانی ارائه می‌دهد؛ دوره‌ای که بی‌تردید به‌عنوان یک نقطه سیاه در حافظه فوتبال جهان باقی خواهد ماند.

اما شاید نگران‌کننده‌تر از همه این‌ها، سکوت معنادار و انفعال آشکار فدراسیون جهانی فوتبال و شخص جیانی اینفانتینو باشد؛ سکوتی که در عمل به چراغ سبزی برای تداوم این تخلفات تعبیر شده است. رئیس فیفا، به‌جای ایفای نقش به‌عنوان نهاد ناظر و مدافع اصول فوتبال، در جایگاه تماشاگر منفعل ظاهر شده و اجازه داده است روابط سیاسی و منافع مالی، بر ارزش‌های بنیادین این ورزش سایه بیفکند. بسیاری از ناظران بین‌المللی، او را یکی از ضعیف‌ترین رؤسای تاریخ فیفا می‌دانند که با این رویکرد، در عمل اعتبار این نهاد بین‌المللی را به حراج گذاشته است.

این انفعال، نه‌تنها جایگاه حقوقی فیفا را به‌شدت تضعیف کرده، بلکه این پیام خطرناک را به جهان مخابره کرده است که در معادلات امروز فوتبال، سیاست و قدرت می‌توانند بر قانون و عدالت غلبه کنند. ناظران بین‌المللی هشدار می‌دهند که تداوم این روند و تشدید هنجارشکنی‌های دولت ترامپ در ادامه مسابقات، جام جهانی ۲۰۲۶ را نه به‌عنوان جشن جهانی فوتبال، بلکه به‌عنوان نماد آشکار فروپاشی استانداردهای مدیریتی و اخلاقی در این ورزش، در تاریخ ثبت خواهد کرد.

هاشمی طبا، رئیس اسبق کمیته ملی المپیک در گفت‌وگو با «ایران»:

مهم‌ترین پیام ما باید نمایش اقتدار در جام جهانی باشد

عکس: www.gettyimages.com

پریسا غفاری/ در آستانه برگزاری رقابت‌های جام جهانی، حواشی و چالش‌های مرتبط با میزبانی آمریکا بیش از پیش مورد توجه رسانه‌ها و کارشناسان قرار گرفته است؛ از گزارش‌هایی درباره نحوه برخورد با تیم‌ها در بدو ورود گرفته تا مسائل مربوط به امنیت، صدور ویزا و حضور هواداران. این موضوعات، نگرانی‌هایی را درباره رعایت استانداردهای بین‌المللی و تأثیر آن بر عملکرد تیم‌ها، بویژه تیم ملی ایران، ایجاد کرده است. برای بررسی این مسائل با سید مصطفی هاشمی طبا رئیس پیشین کمیته ملی المپیک گفت‌وگو کردیم، که متن کامل آن را در ادامه می‌خوانید.

در رسانه‌های رسمی و بین‌المللی، گزارش‌هایی از رفتارهای خارج از عرف بین‌المللی منتشر شده است؛ از جمله بازرسی تیم‌ها روی باند فرودگاه و استفاده از سگ‌های مواد‌یاب برای بررسی وسایل تیم‌های ازبکستان و سنگال. گفته می‌شود چنین برخوردی در هیچ‌یک از ادوار پیشین جام جهانی سابقه نداشته است. این اقدامات تا چه حد با مقررات بین‌المللی مغایرت دارد و واکنش‌ها به آن چگونه بوده است؟

در تمامی رویدادهای بزرگ ورزشی، مانند المپیک و جام جهانی، به‌منظور پیشگیری از تهدیدات امنیتی و حملات تروریستی، حضور سگ‌های مواد‌یاب در فرودگاه‌ها امری کاملاً طبیعی و متداول است. اما اینکه این سگ‌ها مستقیماً برای بازرسی بازیکنان و وسایل شخصی آنها به کار گرفته شوند، اقدامی خارج از عرف بین‌المللی تلقی می‌شود. به همین دلیل، این مسأله با واکنش‌ها و اعتراض‌هایی از سوی برخی کشورها همراه بوده است. من نیز از این بابت نسبت به تیم ملی نگران هستم.

با توجه به این شرایط، آیا احتمال دارد چنین برخوردهایی برای تیم ملی ایران نیز رخ دهد؟

در وهله اول باید تأکید کنم که انتقال کمپ تیم ملی از آمریکا به مکزیک تصمیم درستی نبود. این جابه‌جایی شرایط را برای تیم دشوارتر می‌کند، زیرا بازیکنان ناچارند بارها مراحل اداری و کنترل‌های مرزی را طی کنند. این روند می‌تواند آرامش روانی تیم را برهم بزند، چراکه مأموران گمرک و اداره مهاجرت ممکن است بر اساس سلیقه‌های شخصی عمل کرده و موجب معطلی‌های طولانی شوند.

گزارش‌هایی از حوادثی مانند تیراندازی در نزدیکی کمپ تیم ملی انگلیس، وقوع طوفان در تگزاس و تعویق بازی عربستان و پورتوریکو، و حتی هشدار درباره وجود مارهای سمی برای تیم سوئیس منتشر شده است. آیا این مسائل نشان‌دهنده ضعف در میزبانی نیست؟

در هر تورنمنت بین‌المللی، مسئولیت تأمین امنیت جانی تیم‌ها بر عهده کشور میزبان است. این موضوع را در فرانسه نیز به‌وضوح مشاهده کردیم؛ جایی که پلیس با دقت و حساسیت بالا تمامی مسائل امنیتی را زیر نظر داشت تا آسیبی به هیچ تیمی، از جمله تیم ملی ایران، وارد نشود. بنابراین، مدیریت چنین حوادثی وظیفه میزبان است؛ البته به شرط آن‌که نیت کارشکنی در میان نباشد.

در صورت تقابل احتمالی ایران و آمریکا در مراحل بعدی، بویژه با توجه به برگزاری مسابقه در ۱۲ تیر در تگزاس که مصادف با روز استقلال آمریکاست، آیا این موضوع می‌تواند حاشیه‌ها یا تنش‌های غیرورزشی برای تیم ملی ما ایجاد کند؟

همانند دو دیدار قبلی میان این دو تیم، این مسابقه نیز می‌تواند بدون حاشیه و چالش خاصی برگزار شود؛ زیرا هر دو تیم به روح ورزش پایبند هستند و مسائل غیرورزشی را وارد زمین مسابقه نمی‌کنند. تجربه نشان داده است که بازیکنان و کادر فنی، فارغ از روابط دیپلماتیک میان کشورها، براصول حرفه‌ای و ورزشی تمرکز دارند.

مهم این است که تیم ملی با صلابت و تمرکز کامل در جام جهانی به میدان برود. در نهایت، مهم‌ترین پیام ما می‌تواند برافراشته شدن پرچم کشورمان و نمایش اقتدار در عرصه ورزشی باشد

عدم صدور ویزا برای خبرنگاران و همچنین اختصاص ندادن سهمیه بلیت به هواداران ایرانی از سوی آمریکا چه پیامی دارد؟

در رویدادهای بزرگ ورزشی، زمانی که یک ورزشکار یا خبرنگار «آی‌دی کارت» دریافت می‌کند، در واقع ویزای کشور میزبان نیز برای او صادر شده است. این رویه در تمامی دوره‌های جام جهانی رعایت شده بود. حتی در دوره‌ای که آمریکا در آتلانتا میزبان بود، با وجود شرایط خاص، چنین مشکلاتی وجود نداشت. علاوه براین، طبق قوانین فیفا، کشور میزبان مجاز نیست در این زمینه موانعی ایجاد کند؛ اما به نظر می‌رسد شرایط فعلی با گذشته متفاوت شده است.

دلیل محدودیت در اختصاص سهمیه بلیت به هواداران ایرانی را چه می‌دانید؟

به نظر می‌رسد هدف از این اقدام، القای این پیام است که فضای عمومی آمریکا علیه تیم ملی ایران است. از دید من، چنین رویکردی فاصله گرفتن از حقیقت و اصول انسانی است؛ بویژه زمانی که اظهاراتی مطرح می‌شود، اما مسئولیتی در قبال آن پذیرفته نمی‌شود و در عین حال، نظارتی نیز برای جلوگیری از این روند وجود ندارد.

برش

آیا این اقدامات می‌تواند باعث شود جو ورزشگاه‌ها به‌طور کامل علیه تیم ملی ایران شکل بگیرد؟

چنین برداشتی ندارم که فضای ورزشگاه‌ها یکدست در اختیار مخالفان باشد. در خود آمریکا، ایرانیان بسیاری زندگی می‌کنند که دلبستگی عمیقی به کشور دارند و از تیم ملی حمایت خواهند کرد. حضور این هواداران می‌تواند تا حد زیادی فضا را متعادل کرده و حتی به نفع تیم ملی تغییر دهد.

مهم‌ترین توصیه‌ای که در این شرایط باید مورد توجه قرار گیرد چیست؟

ترامپ فردی خودشیفته است و در بسیاری از موارد رفتاری متناقض از خود نشان می‌دهد. نباید تمرکز خود را بر این حواشی و دخالت‌ها معطوف کنیم. مهم این است که تیم ملی با صلابت و تمرکز کامل در جام جهانی به میدان برود. در نهایت، مهم‌ترین پیام ما می‌تواند برافراشته شدن پرچم کشورمان و نمایش اقتدار در عرصه ورزشی باشد.

واکنش گسترده رسانه‌های جهان نسبت به کارشکنی‌های آمریکا

ترامپ علیه روح جوانمردی و قانون‌مداری

گروه ورزشی / بر اساس مجموعه گزارش‌ها و تحلیل‌های منتشر شده در رسانه‌های بین‌المللی، جام جهانی ۲۰۲۶ در حال فاصله گرفتن از ماهیت سنتی خود به‌عنوان یک رویداد مستقل ورزشی است و به سمت یک رویداد به‌شدت غیرورزشی و رسانه‌ای حرکت می‌کند. در این میان، دونالد ترامپ به‌عنوان رئیس جمهوری ایالات متحده، در مرکز بخش مهمی از این جنجال‌ها و کارشکنی‌ها قرار گرفته و در روایت بسیاری از تحلیلگران، سیاست‌ها و سبک مدیریت او یکی از عوامل اصلی افزایش حساسیت‌ها پیرامون این تورنمنت تلقی می‌شود.

در گزارش‌های تحلیلی برخی رسانه‌ها، از جمله گاردین و روبترز، این نگرانی مطرح شده که پررنگ شدن حضور چهره‌های سیاسی در مناسبت‌های رسمی مرتبط با جام جهانی، بویژه در مراسم‌ها و رویدادهای نمادین، می‌تواند به‌تدریج استقلال فوتبال را تحت‌تأثیر قرار دهد و در آینده به کلی آن را از بین ببرد. منتقدان معتقدند زمانی که سیاستمداران در مرکز قاب رسانه‌ای چنین رویدادهایی قرار می‌گیرند، تمرکز از «روح رقابت ورزشی»، به سمت «روایت‌های غیرورزشی و قدرتنمایی رسانه‌ای» جابه‌جا می‌شود.

در همین چارچوب، برخی تحلیل‌ها به سیاست‌های مهاجرتی و امنیتی دولت آمریکا نیز اشاره می‌کنند؛ سیاست‌هایی که به گفته این رسانه‌ها، می‌تواند بر تجربه هواداران بین‌المللی اثر بگذارد.

محدودیت‌ها در روند صدور ویزا، افزایش کنترل‌های امنیتی و فضای احتیاط در مرزها، از جمله مواردی هستند که در گزارش‌های انتقادی به‌عنوان عواملی مطرح شده‌اند که ممکن است با ماهیت باز و جهانی فوتبال در تنش قرار بگیرند.

در تحلیل لوموند نیز این نکته مطرح شده که نزدیکی ساختارهای ورزشی با تصمیم‌گیری‌های سیاسی در کشور میزبان، اگرچه در سطح اجرایی قابل توجیه است، اما می‌تواند این برداشت را ایجاد کند که فوتبال در معرض استفاده به‌عنوان ابزار قدرت نرم قرار گرفته است. در چنین فضایی، منتقدان نگرانند تصمیم‌های مرتبط با برگزاری و مدیریت رویداد، بیش از آنکه صرفاً بر اساس منطق ورزشی باشد، تحت‌تأثیر ملاحظات سیاسی شکل بگیرد.

جمع‌بندی این دیدگاه‌های انتقادی نشان می‌دهد مسأله اصلی خطر پررنگ شدن سیاست در ساختاری است که اساساً بر رقابت ورزشی، بی‌طرفی و همبستگی جهانی بنا شده است. جام جهانی ۲۰۲۶ به صحنه‌ای تبدیل شده که در آن بحث درباره مرز میان ورزش و سیاست، بیش از هر زمان دیگری برجسته شده و شخصیت‌هایی مانند ترامپ به نماد این مناقشه تبدیل شده‌اند.

چهره میزبان بدون روتوش در جام جهانی

یادداشت

مصطفی پوردهقان
عضو فراکسیون ورزش مجلس

جام جهانی فوتبال، تورنمنتی ورزشی است که سال‌هاست هر چهار سال یک‌بار میان کشورهای مختلف برگزار می‌شود و همواره از آن به‌عنوان نمادی برای همگرایی ملت‌ها و تا حد امکان دوری از سیاست یاد شده است. با این حال، همواره این بحث وجود داشته که ورزش تا چه اندازه می‌تواند از سیاست جدا بماند.

در آستانه جام جهانی ۲۰۲۶ که به میزبانی مشترک آمریکا، کانادا و مکزیک برگزار می‌شود، برخی نگاه‌ها و نقدها نسبت به نحوه تعامل میزبان با تیم‌ها، بازیکنان و عوامل اجرایی مطرح شده است. منتقدان معتقدند برخی رویه‌ها می‌تواند برداشت‌هایی سیاسی به همراه داشته باشد و بر فضای رقابتی و حرفه‌ای مسابقات سایه بیندازد.

در مقابل، برخی نیز بر این باورند که این نوع برداشت‌ها بیش از آنکه به واقعیت اجرایی رقابت‌ها مربوط باشد، ناشی از فضای سیاسی کلی میان کشورهاست و نباید آن را به‌طور مستقیم به ساختار برگزاری جام جهانی تعمیم داد.

در هر صورت، تجربه نشان داده است که میزبانی چنین رویداد بزرگی همواره زیر ذره‌بین افکار عمومی جهان قرار دارد و کوچک‌ترین رفتارها می‌تواند در سطح رسانه‌ای و عرصه بین‌الملل بازتاب گسترده پیدا کند. از همین رو، اهمیت رعایت بی‌طرفی، استانداردهای حرفه‌ای و رفتار برابر با تمامی تیم‌ها و داوران بیش از پیش مورد توجه قرار می‌گیرد.

در حالی که تیم‌های ملی معمولاً با هدف نمایش توانایی‌های ورزشی و معرفی فرهنگ خود در این رقابت‌ها حاضر می‌شوند، انتظار عمومی این است که فضای جام جهانی، فارغ از چالش‌ها، بستری برای رقابت سالم و حرفه‌ای باقی بماند.

در نهایت، با وجود تمام حاشیه‌های احتمالی، نگاه اصلی باید معطوف به عملکرد تیم‌ها در زمین مسابقه باشد؛ جایی که بازیکنان نماینده ملت‌های خود هستند و می‌توانند با بازی منسجم و قدرتمند، تصویر واقعی‌تری از توانایی‌های ورزشی کشورشان ارائه دهند.